

روای
تخصیص



ابوالحسن بنی صدر



پیام آزادی

مجلس شورای اسلامی ایران

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مرکز اسلامی تحقیقات و برنامه ریزی

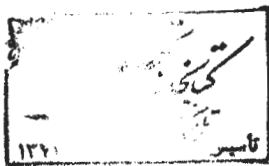


قیمت ۱۰ ریال

روش تحقیق



اسکن شد



ابوالحسن بنی صدر

متن حاضر، حضرت آقا علی محمد صدر

در تاریخ ۵۷/۱۲/۳ در دانشگاه

صنعتی بوده است.

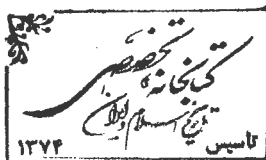
دانشجویان مسلمان دانشگاه

★ نام کتاب ● روش تحقیق

★ مؤلف ● ابوالحسن بنی صدر

★ ناشر ● مرکز اسلامی تحقیقات و برنامه ریزی

★ تیراژ ● ۱۰۰۰۰ جلد



.... یک قسمت راجع است به سنت‌هایی که امام ما برجا گذاشته که آن سنت‌ها شش تا است :

سنت بحث آزاد، سنت اجتهاد، سنت امامت، به معنایی که در آن کتاب آمده، سنت روش علمی کار، سنت مبارزه با کیش شخصیت در دو وجه : یک وجه در مبارزه با طرز تفکر و شخصیت مطلق شده، یکی در مبارزه با آن موانع ذهنی آدمی که مانع رشد شخصیت میشود. در کتاب فوق یک بخش تحت عنوان مراد ما از انسان مجتهد چیست وجود دارد که در اینجا ما مفصلاً " بحث کرده‌ایم. چطور آدمی مبتکر، رهبر و پیشاهنگ میشود؟ و تحقیق یعنی آن اجتهاد چه نقشی دارد در امامت آدمی. یک قسمت هم بحث کرده‌ایم در باره سانسور: انواع سانسورهایی که در این جهان است کدام‌هایی باشند و چطور باید با آنها مبارزه کرد؟ تا کسی که این اثر را میخواند و کوشش میکند موافق یک روش درست عمل کند بتدریج محقق بشود و مبتکر. حال اگر ما بخواهیم آن کتاب را دوباره در این جا بازگو کنیم این موضوع کار شما نیست. شما باید خودتان آن را بخوانید و اگر چنانکه مشکلی نبود که خیال میکنم نیست کوشش شده به زبان ساده‌ای و با بحث و مثال و غیره توضیح داده شود. در نتیجه ظاهراً برای شما اشکالی بوجود نمی‌آورد، بر فرض هم که اشکالی بوجود آورد، آن اشکال را میشود بنویسید و بدهید که در یک اجتماعی آن‌ها را رفع کنیم در هر حال عده شما زیاد است و امیدوارم که در آینده بیشتر هم بشود نه اینکه آغاز کار عده زیادی باشند و بعد از مدتی سختی‌ها عده‌ای را فراری بدهند. آن طور که در صورت دیدم ۲۰۰۰ اسم بود و می‌خواستم در گروه‌های صد نفری تنظیم بشود که هر ۱۰۰ نفر به یک مسئله بپردازد.

در مورد مسائل هم میدانید که منحصربه تهران نیست و شامل تمام ایران میشود.

خوب اگر ما بگوئیم شما بروید این چیزها را تحقیق کنید و بیاورید و شما

هم بروید و تحقیق کنید و نوشته‌ها را بدهید نتیجه مطلوب ندارد. همان سوالات هشت‌گانه‌ای هم که قرار بود، یک عده‌ای آنرا هم انجام داده‌اند لکن آنطور که انتظار میرفت نتایجش خیلی درخشان نیست که چیزی دستگیر آدم بشود، درست و حسابی دستگیر نمیشود. این هم معلوم بود، بدلیلی که شما رفتید و سوالاتی کردید و جوابهایی شنیدید و آوردید و باصطلاح همان‌شبه پرسشنامه پر کردن مکانیکی مرسوم در غرب را عمل کردید. آنها در کشور ما فایده ندارد. آن سوالات برای این بود که شما بدانید که چه سوالاتی را طرح کنید، امانه اینکه یک شما پرسید و یک جمله او جواب بدهد و بگوئید تحقیق کردم این تحقیق نیست. شما باید دریابید که واقعیت چیست. لازم هم نیست که کاغذ و قلم دستتان باشد خود من در ۱۷ سال پیش که تحقیق می‌کردم، یکی دوسه بار هم نزدیک بود کتک مفصل نوش‌جان کنم، چه در آبادان، چه در اهواز و چه در تهران، این را میدانم که مزاج ایرانی که قرن‌ها به رژیم پلیسی خو گرفته، از کاغذ و قلم می‌ترسد. بمحض اینکه کاغذ و قلم بگیری و بگوئی جوابت چیست، زود ترجیح میدهد که حرفی نزند. مثلاً رفتیم به اهواز و می‌خواستیم تحقیق کنیم که معاملات شرکت نفت چطوری است. به هر دری زدیم و هرچه سوال کردیم فایده نکرد. اتفاقاً من آدرس یک کسی را از رفیق او گرفته بودم، رفتم از او پرسم وضع چطوری است. وقتی من به محل‌کار آن شخص رسیدم، او با رفیق دیگری که در انبارهای شرکت نفت‌کار میکرد آمدند. ظاهراً هر دوتا هم لبی‌تر کرده بودند و کله‌شان هم گرم بود. ما اظهار آشنایی کردیم بالاخره پرسیدیم: واقعا این وضعیت چطور است؟ و اینها شروع کردند به گفتن و تمام اطلاعات لازم را به ما دادند. البته ما هم از آن اطلاعات سوء استفاده نکردیم. حسن استفاده کردیم. البته حسن استفاده که چه عرض کنم، یعنی فهمیدیم ترتیب کار اینکه اشخاص از طریق دستگاههای دولتی میلیونر میشوند چیست. کار ما تحقیق بود، ماکه نمی‌خواستیم به کسی گزارش کنیم این را فهمیدیم که چه جوری میشود آدم از قبل دولت میلیونر بشود. حالا شما هم به همین ترتیب باید عمل کنید. یعنی در این شهر: شهر تهران اگر بگویم به مناطق تقسیم کنید، حرف خیلی درستی نیست. بهتر است که ما مسائل را تقسیم کنیم و ببینیم چه مسائلی در این شهر مطرح است. مساله‌ای که در حال حاضر در این شهر مطرح است حتماً مشکل مسکن است در این مساله تردیدی نیست بنابراین این یک گروه لازم است که در باره وضعیت مسکن در قسمت‌های مختلف شهر، تحقیق کند. میدانید که در قواعد معماری ضبط است: مثلاً هر انسانی ۱۴ متر مربع مسکن لازم دارد. سرانه نفری ۱۴ متر مربع. ما خواستیم در مورد ایران یک چنین تحقیقی بکنیم. گفتیم: چون آنها برای انسان اروپائی می‌گویند غیر اروپائی شاید یک کمی توقعاتش کمتر است نفری ۷ متر در نظر گرفتیم. نتیجه: ظاهراً در کشور ما به هر آدمی ۱/۵ متر میرسد، این هیچ معنی ندارد. این فقط این معنی را داشت که مثلاً بگوئیم: این رژیم چه بر سر این مردم آورده. اما حالا شمال شهر یک حکمی دارد، دروازه غار یک حکمی دارد، چادر نشینان یک حکمی، و قناتهایی که خشکیده و مردم می‌روند و در راه روها و مسیر

آب زندگی میکنند یک حکمی دارد ، اگر بخواهید بگوئید در تهران معدل و میانگین این است ، این حرف مفت است ، ما یک تحقیقی در قسمت های مختلف شهری می خواهیم که این نکات اقلا در آن راجع به مسکن معلوم باشد : ۱ - چند درصد از خانه ها محتاج تجدید بنا است ؟ یعنی اسما " خانه است ولی تکان بخوری می افتد روی آدم که اینها از آن زاغه نشینها هم بدتر است . که همیشه هم در روزنامه ها (حالا یک مقدار کارهای دیگر مانع شده این چیزها را بنویسند) مثلا می نوشت که خانه سه طبقه فرو ریخت و فلان آدم زیرش مرد . یا خانه ای که زوارش در رفته بود فرو ریخت ۲ - بدانیم که در چه مناطقی از تهران و اطراف تهران زاغه نشین است . و چه قدر جمعیت دارند و چطور گذران می کنند ۳ - برآوردی پیدا کنیم به اینکه چقدر واقعا خانه خالی هست . تجهیزات خانه هم البته هست : آب و برق ... باید این ها را هم تحقیق کرد و اینکه : ایرانی از خانه چه می فهمد ؟ این مهمتر است . حالا آنها جنبه آماری دارد . و این ، جنبه کاری باصطلاح غیر آماری دارد : کیفی دارد ، خانه را چه میداند ؟ و چه انتظار دارد و میخواهد چه نوع خانه ای داشته باشد . ما در تهران با مساله تغذیه هم مواجه هستیم . مواد غذائی که توزیع میشود . باز اگر هم بگوئید در تهران سطح تغذیه بطور متوسط این است ، حرف مفت است . ما باید آن را هم در قسمت های مختلف شهر بررسی کنیم و ببینیم که مسائل گوناگون چگونه اند ؟ مساله تغذیه در قسمتهای مختلف شهر به چه صورت است ؟ یا ترکیب غذایی مردم در قسمتهای مختلف شهر به چه قرار است ؟ در این زمینه ها زیاد هم لازم نیست که شما در هر خانه رابزنید و بپرسید که امروز نهار چه خورده اند کافی است که هر کدام از شما در محیطهای خودتان که میشناسید و میدانید که ترکیب غذائی شما چیست تحقیق کند ، در محیطهایی هم که میخواهید بروید و تحقیق کنید که ترکیب غذائی شان چیست ؟ اولاً شناسائی بکنید یعنی قلا با اشخاص آشنا بشوید و از طریق آنها سعی کنید ببینید که ترکیب مردشان چیست و کمبودشان کجاست ؟ چون اینها اگر سابق هم بوده قلابی بوده است ، حالا شما از روی اعتقاد باید انجام بدهید ، چون اینها که اساس برنامه گذاری آینده ایران را تشکیل خواهد داد و به ما امکان میدهد که بدانیم در چه زمینه هایی به چه سرمایه ها و سرمایه گذاری هایی نیاز است ، باز در شهر تهران مسئله زناشویی مطرح است . در این مورد هم اگر بگوئید که در تهران سطح طلاق از همه جا بالاتر است . و سطح ازدواج این طور است در غرب زیادتر است در فلان جاکمتر است باز چیزی را نشان نمیدهد . چون گفتم این شهرها همگون نیستند . در شهری مثل تهران لازم است که در قسمتهای مختلف شهر تحقیق کنید و بفهمید که اصلا مفهوم ازدواج برای مردم چیست و از آن چه میفهمند و چه انتظاری دارند و چه میخواهند ؟ مثلا فکر میکنند که باید صبر کند پولدار شود و بعد زن بگیرد ؟ که در این صورت معلوم می شود که وضع اقتصادی اش غالب است با زدر تهران مسائلی از قبیل مدارس مطرح است . باید ببینیم این مدارس تهران اولاً در چه نقاطی قرار دارند و وضع معلمین و شاگردانش چگونه است حتی محیط فکری شان چگونه است و طرز تدریس در آنجا به چه صرت

است و شاگردان در چه محیط فرهنگی تربیت میشوند . آیا در تربیت خودشان شرکتی دارند یا نه ؟ نواقص کار چیست ؟ باز در شهر که شما در آن زندگی میکنید مسئله دولت مطرح است . مردم در مورد اینکه دستگاه دولتی چگونه کار میکنید نظراتی دارند . همان که سابقا جرات نداشتند در باره آن حرف بزنند و حالا می خواهند حرفش را بزنند . تنظیم اینها نشان میدهد که چه چیزهایی از نظر مردم ما ضابطه است همین اعتراضاتی که به انتصابات شده بود . از روی آنها ما یک ضوابطی بدست می آوریم که چه چیزهایی محرک مردم است البته در موافقت و مخالفتشان با مقاماتی که دارند و همین طور مردم مسجد دارند و اینکه با مذهب و انتظار و توقعات متقابلی که از اینها دارند چگونه برخورد میکنند ؟ اینها یک رشته مسائلی بود که الان به ذهن من رسید لابد شما خودتان وقتی با محیط برخورد میکنید با مسائل تازه ای روبرو میشوید که وجود دارند و آنها را هم به همین ترتیب تحقیق میکنید بنابراین خلاصه کلام این میشود که اگر شما بخواهید تحقیقی انجام بدهید باید اول — ذهن خود را آزاد کنید . موضوع تحقیق برای این نیست که نظرات شما را تأیید کند . فرض کنید قبلا چیزی در ذهن شما است که فکر میکنید صحیح میباشد . اگر بروید از دیگران طوری سوال کنید که او صحت آنرا تأیید کند و اگر هم نکرد بگوئید این بیخود میگوید ، نمیشود . هیچکس بیخود نمیگوید حتی وقتی جواب هم نمیدهد باید نوشت که جواب نمیدهد او دلیل دارد که جواب نمی دهد و بی دلیل کسی ساکت نمی شیند پس اول بایست ببینیم کیست که تحقیق میکند و مشخصات محقق چیست ؟ محقق مسلما نمی تواند کسی باشد که طرز فکر خودش را نداشته باشد . اصلا چنین چیزی وجود ندارد . هرکس هم که غیر از این بگوید دروغ میگوید . همه میدانیم . و علتش هم روشن است که تمام سلسله های مغزی شما دستگاههای اطلاعاتی دارند که راجع به امور شما چه بخواهید و چه نخواهید قضاوت دارند . مساله ای که ما داریم این است که چه کنیم تا قضاوتهائی که شما دارید در نتیجه تحقیقات کمتر اثر بگذارد ، و در تحقیقی که میکنید واقعیت را تا حدودی همانگونه که هست نشان بدهید . تا حدودی و بکلی هم نمیشود واقعیترا آنگونه که هست منعکس کنید بالاخره ذهن شما دخالت میکند ولی باید حدود دخالت آن کم باشد .

کسی که تحقیق میکند باید که حتما موازنه اش منفی باشد . یعنی از زور آزاد باشد و زوری تحمیل نکند به واقعیت چیزی را تحمل نکنید . دین ما دینی نیست که قالب باشد و شما واقعیت را در آن بریزید . واقعیت را همانطور که هست میپذیرد . هیچ ترسی نداشته باشید . فرض کنید شما رفتید داخل کارگراها و مطالعه کردید و خواستید مساله مزد آنها (که یکی از مسائل مهم توزیع در آمدها در شهر است و باید گروههایی مخصوصا به این کار بپردازند . کار و میزان تعدادی که شاغلند و نوع شغلشان در تهران ، هم مسئله مهمی است و گروهی لازم دارد .) را تحقیق کنید . تحقیق کردید و دریافتید که قضایا به آن نحوی که میگفتند نیست . مزدشان خوب است (مثلا بر فرض محال) . حالا بگوئید : خیر نکند من اگر این

مطلب را بنویسم به من بگویند که این با کارگراها مخالف است، پس من باید طوری بنویسم که معلوم شود خیلی طرفدار کارگرم، آنوقت شما، از خودتان کم و زیاد اضافه کنید. باصلاح یک جای قضیه از غلظتش کم کنید و جای دیگر به غلظت آن بیفزائید، بعد گزارشی درست کنید. این فریب است، تحقق نیست واقعیت را همانطور که هست باید باز گفت: اگر خوب است خوب است و اگر بد است بد است، به من و شما مربوط نیست. پس بنابر این محقق اول باید کسه بنیاد ایدئولوژی خودش را تصحیح کند.

باید بداند که اگر بخواهد موضوع تحقیق را با توقعات خودش منطبق سازد، به خودش و به آن موضوع جفا کرده، خیانت کرده و کاری که کرده دیگر تحقق نیست. البته این را هم داشته باشید که بر فرض اگر وسیله کشف حقیقت در دست کسانی که بخواهند نتایج تحقیق را بررسی کنند (در صورتیکه روش علمی داشته باشد)، میتوانند بفهمند که شما در تحقیقاتتان صادق نبوده‌اید از کجا بفهمیم که این آدم خودش را تصحیح کرده؟ شما از کجا میفهمید که کلک بکار نبرده‌اید و واقعیت را همانطور که هست دیده‌اید؟ فرض کنیم شما رفتید در یک کارگاهی و بقول شما یک چپی هم آنجا بود و حرفهایی میزد. شما هم خود را مکلف به این میبینید که هر چه او می‌گوید عکسش را بگوئید آنجا حرف در میگیرد و کارگر فرضا "طرف آن چپی را گرفته است و خوب شما زورتان می‌آید قبول کنید که در این مورد پیرو نداشته‌اید و این را حاضر نیستید به عنوان حقیقت بپذیرید. بیرون می‌آئید و درست عکس این را گزارش میکنید.

از این موارد شدنی است و فراوان هم میشود. حال از کجا بفهمیم که محقق آن بینش و چهار چوب فکری خود را در تحقیق دخالت نداده است. این امر ضوابطی لازم دارد. آیا هیچکس از بین شما تحقیق کرده است آنهایی که تحقیق کرده‌اند آیا هیچ پیش آمده که در خود قضیه دخل و تصرف کرده باشید؟ از کجا بفهمیم که اینطور است؟

سوال: این حرفهایی که شما میزنید همه حاشیه است.

جواب: خیر از متن است برای اینکه اول باید کار تحقیق را درست بکنیم تا مطمئن باشیم نتیجه تحقیق ما صحیح است اگر محقق مثل ماموران دولت سابق باشد مثلاً ساواکی هم تحقیق میکرد، چون او از پیش در دستگاه ذهنی خود داشت که شمارا مجرم بکند، این بود که تمام علائمی که میگرفت انطباق با مجرمیت شما.

حالا اگر مثلاً وقتی که وارد شده بود شما مشغول خندیدن بودید این را می‌گرفت که: بله من در حالی وارد شدم که داشتند فحش به اعلیحضرت میدادند و همه هم میخندیدند. در هر تحقیق ما محقق داریم، موضوع تحقیق داریم و هدف تحقیق، این سه مسلم و جزء متن است. محقق که شما هستید باید که در موضوع تحقیق دخل و تصرف نکند این نیز مسلم است اگر بخواهید دخل و تصرف کنید دیگر تحقیق بی معنی است. (رفتق لازم ندارد بنشین و از پیش نظر خود را بنویس، میروی چکار کنی؟) ما میخواهیم آنچه را که هست ببینیم چیست؟ اگر نظرات شما را خواستیم از خودتان بپرسیم که شما چه نظری دارید. ما در پی آن هستیم

تا ببینیم که واقعیت چیست؟ محقق بدنبال واقعیت می‌رود. حال حرف ما اینست که چه کنیم تا محقق دخل و تصرف در واقعیت نکند؟ اگر شما برای این سوال جواب روشنی دارید بگوئید آیا برای این که محقق در نتیجه تحقیق دخل و تصرف نکند جوابی داریم؟ محقق باید با توجه به آن ضوابط خودش را تصحیح بکند.

مقداری از آن ضوابط در خود محقق مقداری در موضوع تحقیق، مقداری در روش تحقیق و مقداری هم در هدف تحقیق است. پس چهار دسته ضوابط داریم در صورتیکه شما آنها را رعایت کنید حتی المقدور ذهن شما کمتر دخالت میکند در نتیجه تحقیق و حتی المقدور حاصل تحقیق درست‌تر از آب درمی‌آید. اما آن ضوابطی که مربوط است بخود محقق؛ محقق حتی المقدور باید در محیطی که منافع گروهی یا ایدئولوژی معینی دارد به تحقیق نپردازد. اگر فرض کنید شما در یک کارخانه‌ای کار میکنید در آنجا منافع معینی دارید، نظر هم دارید چون محیط خودتان است احتمال دارد که شما تحقیق را بصورتی انجام دهید که بعد بگوئید که بله قضیه همین بود که من فکر میکردم. یا فرض کنید که شما اهل نماز و روزه و مسجد هستید بنابراین اگر قرار شود بروید و ببینید که محیط اجتماع مسجد چطور جایی است، فرض کنید که شما در مسجد مسائلی را ببینید و بگوئید: این به شئون دینی من صدمه میزند پس بهتر است که حالا نگویم. بنابراین شما که برای تحقیق حاضر شدید اول معین کنید کجاها هست که حتی المقدور محیط محیط شما نیست و ذهن شما نسبت به مسائل آن محیط آزاد است، و خیال میکنم که این ضابطه آسانی باشد یعنی هرکدام از شما میتوانید کم و بیش محیط‌هایی را برگزینید که نسبت به آن محیط‌ها به اصطلاح بی‌طرف باشید.

البته نسبتاً مطلقاً " که نمیشود. ضابطه دوم از نظر کسی که تحقیق میکند این است که بگذارد موضوع تحقیق یا طرف تحقیق در بیان خودش آزاد باشد. اگر شما بخواهید به بیان طرفتان جهت بدهید دارید در موضوع تحقیق دخل و تصرف میکنید و معلوم هم هست که بی‌فرض نیستید. مثلاً شما سوالی کردید و او جوابی به شما میدهد، حال در جواب میبینید که اندکی از آن مسائلی که شما دوست دارید بگوید، نمیگوید و سعی میکنید او را نزدیک کنید و او هم که متوجه میشود شما صاحب عقیده بخصوصی هستید میگوید بله همانطور است که شما میفرمائید. مینویسد که نظر فلان آدم در مورد فلان موضوع این بود. حال آنکه نظر او نبود نظر شما بود که آرام آرام به او تلقین کرده بودید. سومین ضابطه برای کسی که تحقیق میکند این است که خودش را به عنوان محقق بیگانه نشناسد. شما باید اول محیط را بشناسید و بدانید که در چه محیطی قرار گرفته‌اید وقتی خوب محیط را شناختید با محیط الفت بگیرید. مثل این محققینی که فرضاً به آفریقا میروند و وارد زندگی یک قبیله‌ای میشوند و با آنها زندگی میکنند تا بتدریج بفهمد آنها چه میگویند و چه میکنند. اگر چنانچه شما به عنوان محقق وارد قضیه شوید نسبت به محیط بیگانه‌اید و محیط هم با شما بیگانه عمل خواهد کرد. این ذهنیتی که خود شما هم دارید که آمده‌اید تحقیق بکنید و بروید مانع

از این میشود که دور و برتان را نگاه کنید و در نتیجه معانی حرفها و حتی مطالبی را که میشنوید درک نکنید چون در محیط او این مطالب معنی دارند حال آنکه برای شما همان معانی را که او میخواهد بگوید نخواهد داشت. بنابراین باید در محیطی که وارد میشوید یا در جایی که میخواهید تحقیق کنید بعد از اینکه با محیط خود گرفتید اینکار را انجام دهید.

خو گرفتن با محیط موجب میشود که شما کمتر در معرض سانسور آن دستگاه ذهنی خودتان قرار بگیرید. برای اینکه آن دستگاه ذهنی اطلاعاتی گرفته است که آن اطلاعات مانع از این میشود که ایشان بکلی تحت تاثیر ذهنیت از پیش ساخته خود با واقعیت برخورد کند. چهارمین ضابطه معنایی است که این تحقیق برای محقق دارد نه هدفی که جستجو میکند. بعد به آن خواهیم رسید. فرض کنید که میگوئید من رفته‌ام میخواهم برای خدمت به خدا یا فلان دلیل در دانشگاه که هستم تحقیق کنم. (مثلا میخواهم برای مطالعات شهری در دانشکده علوم اجتماعی تحقیق کنم). هر کدام از اینها در نوع تحقیق شما تاثیر میکند میدانید که بسیاری از ما، تقریباً ۹۹ درصد از هموطنان ما، دروغ برای عقیده را چیز مطلوبی میدانند. خیال میکنند که اگر مثلاً برای پیشبرد اسلام حالایی دو تا دروغ هم گفتی عیب ندارد. یا برای پیشبرد عقیده چند تا کم و زیاد گفتید عیبی ندارد.

روش را به اصطلاح مستقل از هدف میدانند و خود را هم در کاری که میخواهند خویش را عاشق هدف جلوه بدهند هیچ میگیرند. اگر فرض کنیم که شما میگوئید: (من میخواهم برای خدا این مطالعه را انجام بدهم). این برای خدا یا برای این موسسه را باید برای خودتان روشن کرده باشید که معنایش چیست این مسئله در ذهنیت محقق کلی تاثیر میکند و چنانکه میدانید در بعضی نوشته‌ها خواندید که مثلاً فلان کس میگفت که من در فلان کارخانه، مدتی هم کار کردم و فلان تحقیق را کردم و سازمانی که در آن عضو بودم چون این تحقیق

را با آن ترهای خودش مساعد نمی‌دید بمن گفت تو بورژوا شده‌ای. تحقیق برای خودش مساله تعیین کننده‌ای است که اهمیتی غیر از آن سه تای قبلی که گفتیم دارد. و غالباً نتیجه تحقیق را همین دستگاه بینش آدمی تحت تاثیر قرار میدهد. فرض کنید که هگل، مارکس و قبل از اینکه تحقیقی کرده باشند یک دستگاه فلسفی داشتند غالب فلاسفه و علمای اجتماعی در غرب همینطورند. دستگاه دارند.

دفعه اول هم عرض کردم، نمیشود گفت که شما نداشته باشید دروغ است. هرکس هم بگوید دروغ میگوید. اما میشود گفت: معنی این را اول برای خودت حل کن، برای آنکه بعد دچار تناقض میشوی. اگر میگوئی برای خدا، معین کن این برای خدا تحقیق کردن یعنی چه؟ به این معنی که من اینطور میفهمم که برای خدا کار کردن، یعنی آدم بی‌غرض تمام عیار باشد و اصلاً نخواهد هیچ رابطه‌ای از طریق این تحقیق با آن موضوع تحقیق برقرار کند. این (برای خدا) برای من این است. یعنی علاقه‌ای هم ندارد که نتیجه تحقیق این باشد که مثلاً بعد در این محیط طرف شناخته بشود و یا روزی به آنجا برود و تبلیغاتی بکند، با

استناد به اینکه من همان کسی هستم که آمده بودم و این تحقیق را کرده بودم . به اصطلاح از طریق این تحقیق نخواهد خود را در آنجا بیندازد .

برای محقق دیگر ممکن است عکس این باشد . بگوید : من میروم آنجا و سروگوشی آب میدهم و اوضاع را میسنجم و خودی میشناسانم و بعد شروع میکنم به تبلیغ مرامم . این دو نوع برخورد دو نتیجه تحقیق مختلف بار می آورد . برای محقق که بخواند نتیجه تحقیقش عین واقعیت باشد ، باید که این مساله را برای خودش حل کند . حال آنکه اگر شما که در این جا هستید مثلا میخواهید برای خدا تحقیق کنید نباید برای خودتان در محیط تحقیق هدفی منظور کنید . اگر بخواهید این کار را انجام بدهید نتیجه کار تحقیق شما با احتمال قریب به یقین غلط از آب در خواهد آمد . مثلا اگر شما یک محیطی را دیدید و آنها گفتند که ما این نیازها را داریم و شما هم تصور کردید که اگر این نیازها را خوب چرب و نرم کنید و مثلا با فلان مقام آنها را مطرح کنید نانتان در آن محیط در روغن خواهد بود و اصلا هم تحقیق هم نکنید که آیا این نیازها را دارند یا نه و می آئید و عمل کنید و بعد هم بروید ، البته نزد آنها

ممکن است محبوب واقع شوید اما آیا به واقعیت دسترسی پیدا کرده اید ؟ نه این شد چهار ضابطه که با آنها هر کسی میتواند در کار خودش نظارت کند و این موارد را در کار تحقیقش دخالت ندهد . البته ممکن است بگوئید که این چهارمی با اولی فرق زیادی ندارد . نه فرق دارد در اولی گفتیم محیطهایی که از خودتان دارید . این از لحاظ خودتان منظوری دارد . در اولی شما در آن محیط منافعی دارید مصالحی دارید و زمانی هست که شما اصلا " از تحقیق ، ایجاد آن منافع و مصالح را میخواهید . این یک موضوع ثانوی است . دومی غیر از اولی است در اولی شما یک محیط نظرهایی ندارند . یکوقت است که شما در محیطی که در آن مصالح و منافعی نداشته اید ولی بعدا میخواهید در آنجا ایجاد کنید و این مقدمه و پل است .

در مورد روش : چه روشی را بکار ببریم که نتیجه تحقیق ما واقعیت و آنطور که هست باشد . میدانید که روشها در دنیا زیادند و اگر بنیادهای این روشها را بگیرید اینها بر سه دسته مهم میباشند . . . هر چند بحث طولانی میشود ولی از آنجا که شما میخواهید ابزار عملی داشته باشید که توسط آنها کارتان را انجام دهید وارد این بحث میشویم . یک دسته از روشهای قالبی است . یعنی غالبا " هم میبینیم که سوالی میکنند و جلوی شما را هم یک چهارگوش یا دایره میگذارند که مخالفی یا موافق و یک ضریب میگذارند . این هم ظاهرا و هم باطنا قالبی است . یعنی مواضعی را اعلام میکند و میخواهید که شما نسبت به آن مواضع فکر کنید . مثلا جمهوری اسلامی را قبول دارید یا ندارید . این یک سوالی است که قالب معین است او یا میگوید بله یا میگوید نه حالا خود محقق اگر جوابش بله باشد می رود دنبال محیطی کسانی که بیشتر جواب بله بدهند . اگر جواب خودش نه باشد می رود دنبال آدمهایی که بگویند نه و یا بتواند آنها را راضی کند که نه بگوئید غالبا هم اینطور واقع میشود و در غرب هم یکی

از شیوه های ایجاد افکار عمومی همین است . مثلا فرض کنید میخواهند یک

شخصی را رئیس جمهور کنند. اول مراجعه‌ای به آرای عمومی میکنند و به همان شیوه‌های قالبی. مثلاً "آقای رئیسکار دیستن که بعد شد رئیس جمهور فرانسه در دوره اول ۱۶ درصد به او رای میدهند. آقای فلان مثلاً ۲۱ درصد رای می‌آورد (این محیط‌ها را به همین ترتیبی که گفتم میتوانند سنجش کنند و جور کنند که آنطور که میخواهند نتیجه بدهد) آقای دیگری ۳۰ درصد و دیگری ۴۵ درصد رای می‌آورد. پس اینرا به صحنه وارد میکنند و بعد دستگاه تبلیغاتی شروع میکند که این آدمی که تا دیروز معلوم نبود مثلاً رئیس جمهور بشود یا نه و اصلاً کاندیدا هست یا نیست و هنوز اعلام کاندیدا نشده ۱۶ درصد رای آورده خیلی رقیب خطرناکی خواهد شد و تبلیغات شدیدی روی این قضیه میکنند و هفته بعد باز مراجعه میکنند و می‌رساند به ۲۰ درصد و آن ۳۰ درصد را ۴ درصد پائین می‌آورند. و بعد از دو ماه میبینید که همینطور آرام آرام آقا را کاندیدای ریاست جمهوری میکنند. حالا این روشها هست نه اینکه نباشد یک نمونه‌اش را من گفتم. خود شما هم در پرس و جوهای که دارید از این نمونه‌ها فراوان دارید برای اینکه از آن مصون بمانید جز در مورد سوالهایی که جنبه کمی دارند. (مثلاً فرض کنید فضای مسکونی شما چقدر است؟) باید از روشهای تحقیق قالبی (به اصطلاح از سوالهایی که جواب بله یا نه است) احتراز کنید. ضابطه دوم این است که سوال نباید به جواب دهنده جهت بدهد. اگر شما سوال را بصورتی طرح کنید که او مجبور بشود بیکی از دو سوال شما جواب بدهد شما نتیجه تحقیق را خراب کرده‌اید. چون ممکن است او اصلاً سوالی غیر از این دو داشته باشد. مثلاً همین سوال که غالب در فراندم‌ها میشود البته این عمل نیست که بیايند و ۱۰ الی ۱۵ سوال بنویسند. رژیمی در حال رفتن است یا رفته و می‌پرسند که آیا او را قبول داری یا نه؟ (رژیم جدید را می‌پذیری یا نمی‌پذیری؟) اما معنایش این نیست که اگر کسی گفت رژیم جدید را نمی‌پذیریم یعنی که قبلی را می‌پذیریم ممکن است این را نپذیرد قبلی را هم نپذیرد و رژیمهای دیگری توی ذهنش باشد آنها یکی دوتا هم نباشند بلکه ۱۰-۱۵ تا باشند. و شما هم اگر بخواهید ببینید واقعا افکار عمومی ایران چیست، این از بله و نه بدست نمی‌آید این بر همه شما روشن است. پس میبینید در روش تحقیق اگر سوال مراجعه کننده متضمن جهت باشد. (جهتی را شما به جواب دهنده بدهید) نتیجه درست از آب در نمی‌آید. وقتی با ضوابطی که قبلاً عرض شد وقتی شما آن محیط را شناختید میتوانید با او گفتگو را طوری باز کنید که او واقعیت را به شما بگوید.

سومین مسأله‌ای که در مورد روش باید در نظر گرفت این است که روش حتی المقدور بازتاب ایدئولوژی راهنمای شما نباشد. فرض کنید روش اصلی راهنمای شما دیالکتیک باشد. دیالکتیک استالینی باشد یا دیالکتیک انگلیسی باشد یا دیالکتیک لوفوری باشد دهها دیالکتیک وجود دارد شما در جائی می‌خواهید بگوئید که تعبیرات کمی به کیفی واقعت دارد و قانونیت دارد. پس بنابراین سوالات را در زمینه کمی بصورتی طرح میکنید که برسید به آن کیفیتی که خیال میکنید صحیح است آن کمیت به این کیفیت برسد. خوب

این دیگر تحقیق نیست شما (قالب رَئی) دارید براساس ایدئولوژی معینی . واقعیت را می‌خواهید در قالب بریزید و در این روش سوم هم بر شما روشن است که زود انسان میتواند بفهمد که کلک کارش کجاست . چیزی نیست که احتیاج باشد که کسی بیاید و تحقیق کند و این روشهایی که ما میگوئیم برای این است که خود شما آزاد بشوید و تحقیق شما نتیجه دهد چونکه نتیجه کمتر اهمیت دارد و بیشتر به اصطلاح تربیت خود شما مهم است . باین دلیل که اگر قضیه درست انجام بگیرد ما پیشاهنگان تازه‌ای در جامعه خواهیم داشت که میتوانند در جامعه مبشر تغییرات بنیادی و اساسی باشند .

چهارمین کاری که در مورد تصحیح روشن باید انجام بشود یعنی عوامل ذهنی که در روش باعث تغییرات موثر است . روش شما کار شما را خراب میکند . یعنی میتواند به شما امکان دهد که ضابطه داشته باشید و صحیح را از غلط به سنجید و روش قابل تصحیح باشد . غالباً مشکل کار محققین این است که روش را مطلقاً صحیح میبینند فرض کنید ما در ۱۷ سال پیش که اینجا بودیم یک همکار فرانسوی داشتیم که حالا هنوز هم با ما همکاری میکند . بتدریج او بیشتر ایرانی شد باین دلیل که در ایران ۸ سالی تحقیق و کار کرد او از فرنگ‌ها خودش شیوه پرسشنامه‌ای را آورده بود . ما به او می‌گفتیم : اگر محققینی که ما داریم حوصله کنند و این پرسشنامه‌ها را ببرند در محیط یک کارگر با کارگر در یک قهوه‌خانه بنشینند . و یک چای قند پهلوه هم بنوشند و بعد بپرسند و او هم جواب بدهد ، این روش در ایران موثر نیست . این اولاً خودش می‌نشیند در خانه پر می‌کند و می‌آورد . ثانیاً بر فرض اینکه ببرد پیش آن طرف او بمحض اینکه کاغذ و قلم را ببیند آنهم در جامعه‌ای که ساواک دارد و دستگاههای فشار و اختناق سوال و جواب دیگر نیست او اوائل تن نمیداد . بدلیل اینکه خو گرفته بود با آن روش تحقیق و با آن روش تربیت شده بود ولی بتدریج که این نتایج آمد و مطالعه کردیم دیدیم که همان حرفهاست مثلاً " راجع به سینما تحقیق کرده بود و فیلمهایی که نمایش میدهند و بارتابی که در افکار عمومی دارد . فرض کنید ۱۰۰ تا پرسش نامه پست کرد همینطور پشت سر هم : چه فیلمهایی که دوست دارید؟ تاریخی موزیکال تاریخی ، موزیکال ... این یک

جهت است که قابل تأثیر میباشد یعنی اگر شما رفتید و دیدید که روشی که بکار بردید نتیجه نداد باید از خود واقعیت روشهای متناسب را پیدا کنید . تأثیر پذیری دومی که عرض خواهم کرد مهمتر از اولی است و آن این است که چون نگفتیم روش مستغنی از مبانی ایدئولوژیک نیست . بنابراین روش علمی آن روشی است که بتواند نتایج تحقیق را تحمل کند . — یعنی اگر چنانچه به اینجا رسید که روش باطل است حکم بطلانش صادر شود ، و شما حاضر باشید که این بطلان را بپذیرید . فرض کنیم در همان مثالی که زدیم اگر شما رفتید در آزمایشگاه و یا در جامعه و ۱۰۰ نفر را امتحان کرده و دیدید که تغییرات کمی و کیفی یا باهم انجام میگیرد و یا چنان نیست که اول کمی انجام بگیرد و بعد تبدیل شود به کیفی ، خوب در این صورت باید حکم را بپذیرید . اگر لج کنید معلوم است که این روش است که حاکم است و تحقیق وسیله‌ای است برای اینکه شما می‌خواهید آن روش را بزور تحقیق به کرسی

بنشانید، غالبا " هم دلیل اینکه تحقیقاتی که ما انجام داده ایم با واقعیت انطباق نداشته همین تحمیل روش است به تحقیق والا دلیل ندارد که این همه دستگاههای عریض و طویل دولتی که رفتند تحقیق کردند همه کس که قصد تقلب نداشت. آنهایی که بعد مینشستند روی آنها کار میکردند به خیال خودشان تقلب میکردند والا جوانی که از اداره آمار میرفت و تحقیق میکرد، او به آن روش زیاده از حد وفادار بود. میرفت آنجا و طبق آن روش کار میکرد بعد میدید واقعیت آن نیست یک مثال دیگر بیاروم: فرض کنید که شما بروید و بپرسید که چه کسی در ایران زمینه دارد که برای ریاست جمهوری انتخاب شود؟

شما از یک روش استفاده کرده و سوالاتی میکنید و بعد انتخابات میشود. میبینید که شخص مورد نظر ۲۰٪ هم رای نیاورد پس معلوم میشود که روش کار شما نتوانسته واقعیت را سنجش کند بنابراین باید روش را تغییر داد. یعنی اصل تغییر پذیری یا ابطال پذیری روش را باید قبول کرد. این اصل باید در ذهن شما همیشه باشد که روش ابطال پذیر است و حکم مطلق الهی نیست که نشود تغییرش داد حالا هر کاری که میکنید این اصل را رعایت کنید. خواهید دید که چقدر ذهن شما متکر میشود. شما که محصلید (خود من هم بوده ام) گاهی میبینید که مثلا "می خواهید مسالهای را حل کنید. دودفعه از یک روش استفاده میکنید، نتیجه نمی دهد لاج می کنید و همین طور ادامه میدهید. بعد مثلا " جلسه امتحان بمدت دو ساعت است و میرسید به ۵ دقیقه آخر متوجه میشوید که نتیجه نگرفته اید. برای این است که ابتدا، خصوصا " در جوامعی که اساسشان بر استبداد است، ذهن را به مطلق بودن روشها خو میدهند. در کشور ما هیچ پدر و مادری در صحت روشهایی که بکار میرود (در تربیت) تردید نمیکند. باید اصل ابطال پذیری روش را پذیرفت. اگر اینرا نپذیریه نمیتوانید محقق بشوید.

موضوع تحقیق: موضوع تحقیق هم ضوابطی دارد که اگر شما آن ضوابط را رعایت کنید آنرا انطور که هست ببینید. چون بالاخره شما می خواهید تحقیق اجتماعی بکنید اگر طبیعت بود فرق میکرد. البته طبیعت هم بیکار نیست. اینطور نیست که شما خاک را بردارید و هر طور که دلتان خواست امتحان بکنید. در کار دخیل بوده و فعال است. اما در جامعه آن آدمی که طرف شما است حتما " دخالت میکند. اینطور نیست که آرام بنشیند. شما عکسش را بگیرد، ژستی بگیرد قیافه ای بگیرد، یعنی بی طرف نمی ماند. شما هر چه به او بگوئید انطوری بایست ممکن است تا همانطور که شما میگوئید بایستد، اما در همان حال از خود هم دخالتی میکند و بالاخره همانطور که شما میخواستید نیاستاده پس طرف تحقیق آدم فعالی است همینقدر که بفهمد آنچه را از او میپرسید ممکن است به نتایجی بیانجامد دیگر مصیبت شروع میشود. شروع به دخل و تصرف در نتیجه کار میکند و بنابراین ذهنیتی را که خودش دارد بجای واقعیت به شما تحمیل میکند بنابراین باید دو مطلب را از هم تفکیک کنید. یکی اظهار نظر و دیگری واقعیتی است که وجود دارد. معنای این حرف این نیست که اگر اظهار نظر کرد باید آنرا کنار گذاشت. نه، (آنرا باید از او گرفت و ضبط کرد و نگهداری نمود.) آنها هم خودشان موضوع تحقیقات بسیار مهم جالبی میباشند شما باید

ببینید که طرف تحقیق بر چه علائمی تکیه میکند که آن مساله را موضوع یک نظری قرار بدهد. آنهاست که بدرد شما میخورد مثال فرض کنید که میروید به محیطی ویکی میگوید وضع مسکن در اینجا خیلی خراب است وبعد شروع میکند به اینکه: ملاحظه کردید که اینجا در خانه ما هنوز اسفالتش نامنظم است. از شهرداری قرار بود بیایند اینجا را اسفالت کنند. میپرسید خوب دیگر چه کم دارید؟ میگوید: برق را بما داده اند اما به بقیه هنوز نداده اند. توجه میکنید که محور حرکت این شخص نیازهای خودش است و محیطی است که تابع منافع خودش در آن محیط میباشد. اما به واقعتهائی هم تکیه میکند که گریزی از آنها ندارد و اگر آنها نباشند او نمیتواند حرف خودش را به کرسی بنشاند. در مثال فوق توجه کنید که به آن محله برق به همه نمیرسد، اسفالت برای همه وجود ندارد، آب به همه نمیرسد... اینها آن واقعتهائی که شما می خواهید. مساله دومی که پیش می آید این است که احتمال این می رود که او از طریق عنوان کردن این مطلب که به شهرداری مراجعه کردیم هنوز نیامده اند میخواهد خود را با اصطلاح مدافع منافع محله قلمداد کند و از طریق ارتباط با دستگاه شهرداری در آن منطقه صاحب نفوذی بشود و می خواهد شما را هم وسیله اینکار قرار دهد. و بنابراین از این جهت دخالت می کند. اما مساله مهم در این جاست که او اساس دخالتش را واقعیتی قرار میدهد که شما باید آن را بسنجید و ببینید که به شما درست میگوید یا نه. پس ایندو موضوع را میشود از هم تفکیک کرد و اینکار را باید حتما کرد.

ضابطه دوم: که ما بفهمیم و ببینیم این موضوعی را که تحقیق میکنیم (که البته موضوعی اجتماعی است) همانطور که واقعیت را گرفته ایم هست یا نه؟ برای این است که چون انسان موجودی است اجتماعی است ناچار روابط محیطی دارد، خصوصا در شهر تهران. فرض کنید که در تهران فعالیت میکنید، قهوه خانه های تهران را در نظر بگیرید مثلا "یک قهوه خانه متعلق به آذربایجانی ها و یا قهوه خانه مخصوص همدانیهای مهاجر است." قهوه خانه ها محیطهای معین همگنی است که طبیعتا "این محیطها در پاسخ مؤثر میشوند فرض کنید که شما بروید به محله ای که نا همگون باشد. یعنی چندتا به اصطلاح غریبه در آن محل باشند آن غریبه ها اگر چنانچه در محیطی بودند که در آنجا غریبه بودند همانطور عکس العمل نشان نمی دهند این که اول عرض شد شما باید به محیط خو کنید، برای این است که ببینید این محیط مشخصات چیست و در چه تأثیراتش بر بیانی که شما از طرف خود میگیرید چه اندازه است و به چه ترتیب میتوانیم از درجات تاثیر کم کنیم البته کار بسیار مشکلی است و ساده نمی باشد، کسی که در محیطی زندگی می کند، با آن محیط یکی و همگن است و در واقع خود را به عنوان فرد در نظر نمی گیرد، بلکه بعنوان آن مجموعه با شما طرف میشود، و اینکار ساده ای نیست. برای اینکه وقتی او بعنوان یک مجموعه حرف میزند آزاد نیست. فکر میکند: (این حرف را بزنم آن همسایه چه خواهد گفت و آن محیط چه خواهد گفت؟) یا بعد میگوید: (یک عده آمده بودند اینطوری روانه شان کن بروند و اگر دفعه دوم آمدند و چیزهائی پرسیدند شما اینطور و آنطور جواب بدهید.) برای اینکه تأثیرات محیط را کم کنیم بهترین کار این است که عده ای را جمع و با آن محیطهای همگن در یک

مجموعه برخورد کنیم و اجازه دهیم که آنها آزادانه گفتگو و برخورد کنند تا کسی و یا کسانی حالت نمایندگی بخود ندهند. از لحظه‌ای که کس یا کسانی در یک مجموعه حالت نماینده بخود گرفتند، مدافع میشوند، و البته مدافع در ایران حالت خاصی دارد میدانیم که در دادگستری هم امر بر این بود: زمانی در دانشکده حقوق معلمی، داشتیم که درس دفاع میداد و می‌گفت که چطور باید از موکل دفاع کرد. می‌گفت: روزی من دردادهای وکیل بودم، طرف مقابل من گفت: این قبض شماست و امضایش هم معلوم است. گفتم بده ببینم. و امضایش را پاک کردم و به او پس دادم و گفتم سند تویی اعتبار است و امضاء ندارد. البته وکیل کارش تقلبات نیست، ولی متأسفانه این روحیه خصوصاً در نظام شاهنشاهی که هنوز از بین نرفته، وجود دارد. مدافع وظیفه خودش میداند که آنچه را که پوشیدنی است بپوشاند، و آنچه را که باید در

می‌خورد به اصطلاح چند برابر چرب و شیرین کند و تحویل دهد. بنابراین بهتر است که موضوع تحقیق شما کمتر جنبه نمایندگی و بیشتر جنبه خود محیط را داشته باشد و این شدنی نیست مگر اینکه شما با جمع برخورد کنید. و همچنین محیط - هائی را که میتوانید، در آنجا با جمعی گفتگو کنید، پیدا کنید این کار شما را ساده تر میکند و دیگر مجبور نیستید که به فرد فرد مراجعه کنید آنها هم در برخورد ها واقعیت نسبتاً بیشتر به شما پس میدهند.

سومین ضابطه، برای اینکه موضوع تحقیق را که (انسان اجتماعی) است همانطور که هست دریابیم، این است که: محقق باید که با طرف تحقیق نه دم از موافقت در زمینه ایدئولوژی بزند و نه دم از مخالفت بدلیل اینکه اگر دم از مخالفت بزند، جبهه بندی شروع میشود و او آن حرفهائی را که بنظرش ایجاد ضعف کرده وضعف او را نشان میدهد نخواهد گفت. اگر دم از موافقت هم بزند، طرفین شروع میکنند به شارژیکدیگر و تشویق خود نتیجه اینکه: آخر سر کار حماسه در می‌آید، (زمانی در اهواز به خانه‌ای برای تحقیق رفتیم. آن موقع به تازگی در سوریه یا نمیدانم کجا، کودتا شده بود و مارش نظامی می‌زدند و ساکنین آن خانه هم عرب بودند و مشغول گوش دادن به رادیو که من وارد شدم و سلام و علیک کردم، آنها وحشتزده شدند چون من به اصطلاح عامل غیر عرب بودم و آنها تا قیافه مرا دیدند فکر کردند که لابد از ساواک کسی آمده اعتراض کند، که چون شما به رادیوی بیگانه گوش میدهید، معلوم میشود که طرفدار عبدالناصر هستید و شما را توقیف میکنیم برای اینکه ناراحتی آنها را تسکین بدهیم، مقداری از ناصر خوب گفتیم و مقداری هم به شاه بدگفتیم البته ناراحتی آنها تسکین پیدا کرد اما تا آخر مجلس همدیگر را تبلیغ میکردیم. و آنروز ما از آن تحقیق نتیجه نگرفتیم شما باید خوددار باشید و اگر طرف تحقیق تمایلاتی هم ابراز کرد شما فقط بشنوید. چون اگر خواستید وارد قضاوت بشوید، البته آن طرف میفهمد که نوع قضاوت شما چیست و از همانجا شروع میکند به موضع تشخیص دادن و از همان موضع با شما برخورد کردن و این طبیعتاً نتیجه تحقیق را خراب میکند.

چهارمین ضابطه: برای اینکه بفهمید که موضع تحقیق شما واقعیت را همانطور که هست به شما باز میگرداند و دخل و تصرفی از خودش در واقعیت نمیکند

این است که شما به جای اینکه از یک جمع سؤال کنید محیط همگون پیدا کنید . مثال : فرض کنید رفتید دروازه غار و محله‌ای را انتخاب کردید که زندگی مردم آنجا همگون است . اگر از یک محیط و حتی دو محیط پرسش کنید نتیجه ممکن است که متناقض یا متشابه به دست آید : یعنی مثل هم نتیجه بدهدو یا ضدهم پس حداقل تعداد محیط برای اینکه تحقیق نتیجه خوبی داشته باشد سه تا است یعنی باید از سه بیشتر باشد و این محیط‌ها باید قبلا از قصد مطلع نباشند ، یا بهتر است بگوئیم که محیط‌هایی پیدا کنیم که کمتر با هم در رابطه‌های مختلفی باشند که اکنون وجود دارند ، البته بی رابطه نمیتوانید پیدا کنید ، اما بهتر است در جستجوی محیط‌هایی باشید که روابطشان حتی المقدور کم باشد ، بطوری که بشود مستقل تلقی شان کرد . در اینصورت میتوانید بفهمید که این محیط‌های مختلف راجع به یک مساله چه برخوردی دارند ، حال اگر همه یک طور برخورد کردند مثلاً همه بگویند که میزان درآمد در این محله اینقدر است ، خوب در این صورت تا حدودی میشود گفت که دخل و تصرف محیط در رقم کم است . اگر به یک خانه بروید و از یک اتاق میزان درآمد را سؤال بکنید و این سؤال را از اتاق‌های دیگر هم بکنید : رقم‌هایی که به شما میگویند بی تأثیر نیست ، زیرا اینها باهم رابطه دارند اگر اولی یک رقمی گفت ، دومی از آن رقمی که از اولی میشود متاثر است ، و سومی از آن دوتا و چهارمی از آن سه تا . بنابراین محیط‌هایی که قرار است از آنجا میزان و سطح درآمد را تحقیق کنید باید چنان باشند که پاسخها در یکدیگر تأثیر نکند . و شما بتوانید از طریق مقایسه بفهمید که وضع این محیط چگونه است . مثال : بدهی رفتیم و از هرکس نام خانوادگی را سؤال کردیم گفت احمدی . تمام ده احمدی بودند و علتش این بود که در آن وقت می-خواستند نظام وظیفه نروند . مامور دولت که رفته بود به آنها شناسنامه بدهد همه بنام احمدی شناسنامه گرفته بودند . در نتیجه وقتی تحقیق میشد که چه کسی به سن نظام رسیده مشکل میشد و می توانستند سر مامور دولت را با رشوه و غیره کلاه بگذارند میشد که قضیه را حل کرد و بجای یک احمدی ، احمدی دیگر را برد ، ناچار ما از آنها پرسیدیم چند طایفه‌اید ؟ بعد معلوم شد که اینها دو طایفه بزرگ و چند طایفه کوچکند و بالاخره کم کم فهمیدیم که محیط‌هایشان همگون نیستند حال اگر چنانسکه ما بر اساس احمدی میرفتیم و عمل میکردیم جوابها آنطور که ما میخواستیم صحیح از آب در نیامد در نتیجه ما نمیتوانستیم آن ده را برنامه بریزیم و متناسب با نیازهای مردم آن محل ده را بسازیم (آنوقت دانشجویان آن ده را ساختند) ، ممکن بود ده را متناسب با نیازهایی بسازیم که اصلاً واقعیت نداشت مگر احمدی‌ها همانطور که در مورد شناسنامه دروغ میگفتند جوابها را هم همانطور به ما میداند . به دلیل اینکه اگر مثلاً " بعنوان احمدی میپرسید باید خودش را متناسب با کدخدا دیده و به شما جواب بدهد نه متناسب با محیط طایفه و محل و نیازهای خاص خودش هدف : چکار کنیم که هدف ، نتیجه تحقیق را خراب نکند ؟ مثال : فرض کنید اگر چنانچه هدف تحقیق این باشد که شهر در فلان قسمت گسترش پیدا کند چنانچه مرسوم بود ، خوب تحقیق میشود : آیا تسطیح لازم دارد ؟ خیر : زمین صاف است آب به آنجا نمیشود رساند ؟ بله ، جنب کرج

است ، آب اول آنجا میرود وبعد به تهران میرود ، برق چطور ؟ بله ، برق رسانی هم آسان است .) در مثال بالا هدف این است که آنجا را جزء نقشه بزرگ کنند و قیمت زمینها را بالا ببرند ، در نتیجه سئوالها را تماما " منطبق با آن هدفی که دارد میکند و می دهد به طرف . مثال : فرض کنید ما الان میخواهیم ببینیم کارخانه ها چه وضعی دارند ؟ کس که در ذهنش این مطرح است که باید اداره کارخانه در دست شوراها کارگری باشد . سؤال : آیا امکان اینکه شوراهای کارگری بتوانند کارخانه را اداره کنند ، هست ؟ بله . سؤال : کادرهای متخصص حاضرند از این شوراها اطاعت کنند ؟ با ایشان صحبت کردیم گفتند : بله ، اشکال کار اینجا است که اینها را یک روزه نمیشود فهمید مگر اینکه جوابها از پیش همه بله باشند . وگرنه شما میدانید که یک کارخانه بزرگ ، دستگاههای فنی و پیچیده ای دارد ، بخش های مختلف دارد و همه اینها را یک روزه نمیشود تحت اطاعت شوراها درآورد . حال اگر شما بخواهید که این هدف را حتما و فوراً " به اجرا بگذارید باید از قول همه بگوئید بله بنابراین باید دید که هدفها چگونه باشند که تاثیر شان کم باشند و به کلی نمیشود که صفر باشند ، چون گفتیم که آدم خنثی وجود ندارد . مگر اینکه مغز هر کسی را پاک کنند و بعد او برود در محیطی که در آن تحقیق میکند و این هم شدنی نیست چون ، چون اگر ذهن و مغز شما را پاک کنند ، دیگر چیزی بعنوان شما وجود ندارد که تحقیق کند . شما با همین دستگاه مغزی با همین معیارها و همین ارزشها و دستگاه ارزش سنجی میروید و تحقیق میکنید . ما میخواهیم که این تاثیرات کم شود و البته روشهای دیگری هم است که در نتایجی که شما به دست می آورید ، عمل میکند و برای این امر است که نتیجه تحقیق باز هم باید تصحیح شود . آن مرحله بعدی است . هدفهای شما بدنبال آن میروید از هدفهای مستقل از موضوع تحقیق باید حذف شوند . یعنی شما نباید برای نتیجه معینی که در خود آن تحقیق نیست ، تحقیق کنید ؛ مثال ، فرض کنید که موضوع شورا در ذهنتان است بروید آنجا تحقیق کنید که بگوئید آن شورا صحیح است یا غلط ، پس هدفها یعنی هدفهای از پیش موجود ، خارج از موضوع تحقیق را حتی المقدور باید حذف کرد . اگر وجود داشته باشند ، تحقیق بی تحقیق . از پیش معلوم است که شما میخواهید واقعیت را با هدفی که دارید منطبق کنید ، و نمیتوانید بگوئید که ، من آن هدف را داشتم اما تحقیق را درست انجام دادم ، زیرا این فکر شما است که اینکار را انجام میدهد . و آنهم از شما دستور نمیگیرد . (البته برای اینجا) . پس باید هدف در خود موضوع باشد و نه که در خارج آن . باید برویم و ببینیم مردم چه میخورند . اگر برای تحقیق بروید نباید اینطور باشد که بعد بگوئید ، فرضا بجای پلو باید چلو بخورند .

اگر این شد نتیجه تحقیق شما غلط از آب در میآید . موضوع و هدف تحقیق شما باید این باشد که مردم چگونه مسکن دارند ، میتوانید تحقیق کنید و بزنید توی سر دولت . حال اگر دولت جواب نداد و به نیازهای مردم پاسخی نگفت ، میشود گفت ، که مردم اینطور زندگی میکردند و تو چرا زندگی مردم را تصحیح نکردی . اما نمیشود قبل از تحقیق الگوئی برای مسکن داشته باشید و بعد بروید

تحقیق کنید. در این صورت نتیجه‌ای بدست خواهید آورد که الگوی شما را ثابت میکند. پس هدف تحقیق نمیتواند خالی از موضوع تحقیق باشد و از پیش وجود داشته باشد یا بد در خود تحقیق باشد. به اصطلاح در واقع هدف از موضوع مستقل نباشد. این یک ضابطه است. این ها ضوابطی است که به نظر مآسان است و محتاج درس خواندن هم نمیشد دوم اینکه: هدفهای تحقیق نباید بیان مواضع ایدئولوژیکی خاصی باشند. این با ضابطه اول فرق میکند تشابه دارد: اما فرق میکند و فرقی در این است که فرض کنید شما میخواهید بگوئید که در جامعه به اندازه کافی نیروی کارگری به وجود آمده است تا بتوان دولت کارگری درست کرد، حال میخواهید میزان نیروی کارگران را ارزیابی کنید و ببینید آیا تغییرات کمی به مرحله‌ای رسیده است که بتواند تغییرات کیفی ایجاد کند. یا خیر؟ هر کس هم آنجا بگوید که چهمیکنی بگوئید که من در دکانی شاگرد هستم. این با اولی فرق میکند، در مورد اول از پیش هدفهایی را معین کرده بودید که بکلی از موضوع تحقیق مستقل بود ولی دومی مستقل نیست و در خود موضوع هم هست. شما میخواهید ببینید که چه تعداد کارگر هست، اما چون یک هدف ایدئولوژیکی دارید در موضوع دخل و تصرف میکنید تا نتیجه تحقیق را با هدف خود منطبق کنید. اگر متوجه شدی داری اینکار را می‌کنی، بدان که کلک میزنی و برای کشف این قضیه در دست کسانی که روی تحقیق شما کار میکنند وسیله نیز هست آنها میتوانند از علائم و روشهایی که دارند کشف کنند که شما چقدر واقعیت را منعکس کرده‌اید. سومین ضابطه برای آنکه هدف تحقیق نتیجه تحقیق را ضایع نکند این است که بتواند تغییر کند. و تغییر پذیر باشد. در مورد روش گذشته گفتیم که باید ابطال ناپذیر و اصلاح پذیر باشد و در اینجا میگوئیم که تغییر پذیر باشد. فرض کنید که به شما میگویند: جنوب شهر بلوا شده بهم ریخته بروید و ببینید که چه بلوایی است اما با یک روش یا دو روش نیست که میشود مساله را حل کرد و بسته به اینکه شما چگونه بخواهید مساله را حل کنید راه حل وجود دارد. مثلاً اگر بخواهید به زور نظامی حل کنید یک نوع راه حل وجود دارد. بخواهید سازش بدهید یک نوع راه حل، و اگر بخواهید قاطع باشید و ببینید که حق با کی است و از آن طرفداری کنید و بزنید توی سر باطل، آنهم یک راه حل دارد. پس درست است که هدف شما خواباندن بلوا بوده اما نحوه خواباندن بعلاوه هدف و کسی که میخواهد این بلوا را خواباند، در نوع بلوا تاثیر میکند برای اینکه تاثیر نکند باید به ترتیب زیر عمل کرد.

اگر فرضهای ابتدائی که دارید (که قطعاً) دارید زیرا بدون فرض مقدماتی نمیتوان به تحقیق رفت) با واقعیت انطباق نیافت آنها را تغییر بدهد یعنی باید قابل تغییر باشند، اساس تحقیق فرضهای مقدماتی است، مثلاً "فرض میکنیم که مردم در بیرون شهر تهران از نبودن مسکن رنج میبرند با این فرض آنجا می‌روید، اگر ضمن تحقیق معلوم شد که از مسکن با آن فرضی که شما داشتید رنج نمی‌برند، تحقیق شما باید بتواند، فرض مقدماتی شما را تصحیح کند اگر بگوئید خبر همین فرضی را که داشتیم باید به کسی نشاند، پس معلوم میشود که شما به جای دیگری آورده‌اند. و من باید بروم و محیط دیگری را پیدا کنم که

این فرض حتماً " در آنجا مصداق داشته باشد . این شدنی است و شما ممکن است به محیطی برای تحقیق بروید اما آن تحقیق مربوط و متعلق به محیطی دیگر باشد مثل همان مثال قلبی : دهها راه حل داشته که یکی از آنها را حل نظامی بوده است . قبل از پا آنکه راه بیفتید گفته‌اند : برخورد نظامی شده و شما هم تعدادی قشون با خودتان آورده‌اید ، البته با این فرض که اینجا زدو خورد نظامی شده و باید از طریق اعمال قوه حل شود ، به اینجا می‌رسید و می‌بینید که دو نفر بر سر موضوعی دعوایشان شده و با نصیحت قضیه حل میشود . حالا می‌گوئید : خیر ، چون ما اینجا آمده‌ایم و نیرو هم همراه آورده‌ایم اگر بیکار برگردیم می‌گویند که ترسیده‌اند . پس باید چند تا تیر در کنیم و تیراندازی کنیم این کار دو نتیجه و دوتا پایان دارد . اگر نتوانی فرضهائی را که دارید تصحیح کنید ، محقق نیستند و نمی‌توانید تحقیق کنید پس بنا بر این فرض مقدماتی و هدف تحقیق نباید هم تغییر پذیر باشند ، هم اصلاح پذیر هدف را از خود واقعیت بگوئید . آخرین ضابطه : قبل از اینکه بطرف واقعیت بروید بیشتر هدفها ذهنی است ، آن نظریه ، آن راهنما ، آن فرض راهنما و فرضیه راهنما کمتر عینی هستند ، چون هنوز با عینیت برخورد نکرده‌اید . بعد از برخورد با واقعیت باید به تدریج ذهنیتی را که راهنمای شما بود جای خود را به عینیت بدهد ، (یعنی فرض اولیه شما باید جای خود را به واقعیت همانگونه که هست بدهد و اگر داد مطمئن باشید که همه کارهای گذشته شما درست بوده‌اند یعنی آنچه را که در مورد خودتان و موضوع و هدف تحقیق کرده‌اید ، همه درست بوده ، ضابطه آخر بشما می‌گوید که کارتان را صحیح انجام دادید وقتی که شما و او اول تشخیص یک مرضی میدهد و می‌گوید این آزمایشات را انجام بده . شما آزمایشات را انجام میدهد و نتیجه‌ای بدست می‌آورید . این نتیجه یا آن تشخیص را تصدیق میکند که در اینصورت آن ذهنیت ، عینی شده و یا تکذیب میکند ، که در اینصورت طبیب باید ، مثل فرض سوم ما تشخیص قلبی خود را اصلاح کند و نه اینکه بگوید خیر ، تشخیص همانست که من داده‌ام و آزمایش بیخود گفته‌است البته ممکن است اینطور باشد و من نمی‌گویم که آزمایش اشتباه نمیکند و طبیب حتماً اشتباه میکند . اما بالاخره باید ضابطه‌ای در کار باشد . اگر شما پذیرفتید که ضابطه دو آزمایش است ، میتوانید آزمایش دوم انجام دهید ، اما حق ندارید بگوئید که آزمایش مطلقاً " غلط است و فرض راهنما حتماً درست و واقعیت غلط کرده و غیر از این است . این هم ضابطه آخر عرض . این وسیله آخری است که به شما امکان میدهد تا کار خود را ارزیابی کنید و اگر چنانچه نظریه راهنمای شما و فرض راهنمای شما ، خود واقعیت شد ، آن فرضیه خود واقعیت است که شما به آن رسیدید و حجت است .

... این ۱۶ شرط ، البته بعضی از آنها را در کتب روش‌شناسی آورده‌اند . اینهایی که من به شما عرض کرده‌ام نتیجه کار خودم در تحقیق خصوصاً وقتی که خارج از کشور بودم و میبایستی از دور کمبود برخورد با واقعیت از را بر می‌کردم چون اگر دخل و تصرف ذهنی در کار می‌آمد نتیجه تحقیق را فاسد میکرد . منکه نمیدانستم واقعیت چیست . از روی علائمی که خود رژیم بدست می‌داد

می‌بایست واقعیت را در می‌آوردم. بنابراین روشی می‌خواستیم که به ذهنیت ما و ذهنیت رژیم مجال ندهد که حقیقت را کم یا زیاد کنیم، برای منا، این ضوابط را به تدریج پیدا و ضبط کردیم که اگر کسی خواست تحقیق کند با رعایت این ضوابط، نسبتاً بی‌طرف می‌شود و می‌تواند واقعیت را تا حدودی صحیح ببیند واقعیت را آنطور که هست ارزیابی کردید (یعنی وقتی که دیدید فرض راهنمای شما منطبق با واقعیت بوده) می‌بینید که دخل و تصرفی در این تحقیق نیست مثال: شمار رفته اید پیش طبیب گفته‌اید که تب دارم درد دارم و غیره

سؤال — مطابق گفته شما اگر یک نفر در یک محیط همگون سؤال کند ممکن است منافع خودش را در نظر بگیرد. آیا اگر در کارخانه‌ای که کار میکند از کارگر در مورد حقوق اظهار نظر نماید آیا منافع خودش را در نظر نگرفته؟

جواب — بله در نظر گرفته است. همگن را به آن معنا نگفتم همگن به این معنی است که زندگیشان همسطح باشد و غالباً محیطها باید اینطور باشد. به محیط دروازه غار که بروید تقریباً مشابه زندگی میکنند، همگن که گفتم از جهت روابط بود یعنی اگر شما به خانه‌هایی بروید افراد آن هم شهری و فامیل بوده و روابط معین زناشویی با هم دارند ناچار جوابهایی را که میدهند منعکس کننده این روابط میباشد. اما اگر به محیطی بروید که مثلاً همه کارگر ساده و یا کارگر فنی هستند، از دوسه نفر سؤال کنید، باید حتی المقدور به آن جواب اعتماد کرد البته وسیله‌ای هم وجود دارد که تحقیق کنید و ببینید آیا صحیح است یا نه.

سؤال — در شهرهایی مثل تهران چون ملیت‌های مختلف وجود دارند، بنابراین تحقیقات ما نمیتواند بصورت جامع باشد چون ممکن است وقتی که راجع به غذا سؤال میکنید اگر از یک فرد سؤال کنیم غذاهای مخصوص بخود دارند این موارد را هم باید در نظر داشته باشیم که شما اشاره‌ای نکردید.

جواب — خوب خیلی چیزها را ما اشاره نکردیم ما می‌خواستیم آن مواردی که نتیجه تحقیق را از جهت ذهنیت موضوع تحقیق به اصطلاح فاسد میکند، تصحیح کنیم. البته مقداری اشاره کردیم که هر انسانی فرهنگی دارد که آن فرهنگ را باید در نظر گرفت.

سؤال — هنگام برخورد با مردم برای اینکه مردم طوری جواب ندهند که جهت منافع خودشان باشد چگونه خود را معرفی کنیم؟

جواب — در گذشته این امکانات نبود اما امروز امکاناتی به وجود آمده که شما در عین حال که تحقیق میکنید نباید از پیش به طرف بیم و امید بدهید که تحقیق را خراب کند. امروز مساجد جائی شده که در آنها میشود تماس برقرار کرد. از طریق به اصطلاح جماعت میشود در خود محیط مسجد تماس برقرار کرد در اجتماعات مختلف مثلاً "سخنرانی و غیره میشود تماس برقرار کرد، اگر کسی یا کسانی را در محیطهایی تحقیق بشناسید، و شناسائی کنید مثلاً "میتوانید به عنوان اینکه میخواهید با آنها بروید بیرون گفتگو کنید و از طریق آنها با دیگران تماس بگیرید از همه این روابطی که ممکن است شمار را در بطن واقعیت قرار دهد، باید استفاده کنید. راه دیگر معرفی نامه است که من خیلی با آن موافق نیستم چونکه بلافاصله تعیین موضعی میکند و او باید بپرسد که این

معرفی نامه را که به شما داده است هر معرفی کننده‌ای برای کسی که می‌خواهد بشما جواب بدهد مفهومی دارد و بنابراین به نتیجه کار صدمه میزند. اما اگر می‌خواهید مقداری در یک محیط تحقیق کنید هر گروهی میشود ۱۰۰ نفر فرض کنید می‌خواهید در میدان فوزیه و اطرافش تحقیق کنید. خوب شما ۱۰۰ نفر یک روز می‌روید آنجا و می‌توانید بدون اینکه حتی لازم باشد سلام و علیکی و یا پرس و جوئی میکند همینطور محیط را شناسائی می‌نماید. محیط چه محیطی است و وقتی محیط و محیطهائی را که در آنها اجتماعات تشکیل میشود از این طریق شناسائی گردید مثلاً "در میدان فوزیه خرید میکنند این محیط محیط تماس است. شما می‌توانید از این طریق استفاده کنید و هموطن‌های ما هم که باین روابط شخصی خو کرده‌اند گرچه این روابط همیشه موجب فساد و سیاسی در ایران بوده اما امکان استفاده این روابط در مورد تحقیق وجود دارد و می‌توانید از این روابط استفاده بکنید.

سؤال - آیا باید از مردم بصورت مجموعه‌هائی تحقیق کنیم ؟
جواب - بله عرض کردم بجای اینکه به افراد مراجعه کنیم بهتر است که به جمعها مراجعه کنیم، مثلاً "فرض کنید که وارد یک مسجد میشود و با مردمی که در آن مسجد نشسته‌اند و حرف می‌زنند شما هم قاطی آنها بشوید و طرح مطلب بکنید و به اصطلاح اگر لازم دیدید بگوئید که آمده‌اید راجع به چیزی می‌خواهید تحقیق بکنید و اگر لازم ندیدید بگوئید. در این صورت آرام آرام مطالبی را که دارید با آن جمع مطرح کنید. همه نظر میدهند حتی می‌توانید قبلاً از کسانی که شناسائی محیط دارند تحقیق کنید. مثلاً "فرض کنید شما اگر بروید به هر محله‌ای یا عالم آن محل صحبت کنید، یک اطلاعاتی از آن محل به شما میدهد مثلاً "اگر با ریش سفیدهای آن محل صحبت کنید اطلاعات خوبی به شما میدهد، بعد هم خودتان یک مع‌هائی را از جوان، پیر، میانسال پیرها، پیدا کنید و با آنها گفتگو کنید.

سؤال - مفهوم نبود - جواب - حالا اگر بعضی نقاط با شما برخورد خوبی نکردند بعضی گفته‌اند که معرفی نامه‌هائی بدهید و بگوئیم مرکز تحقیقات اسلامی و امضا هم بکنیم که شما وقتی مراجعه کردید بگوئید که از ناحیه چه کسی مراجعه کرده‌اید. در بعضی موارد این لازم میشود، در آن مواردی که تحقیقات شما جوابتهای (بله و نه) و نه آن بیشتر است جنبه کمی دارد. برای این هم فکری میکنیم. یعنی اگر دیدیم که شما با مشکلی برخورد کردید معرفی نامه‌هائی تنظیم میکنیم و در اختیارتان می‌گذاریم.

سؤال - اینطور که معلوم است تحقیقات شما بیشتر در زمینه روابط اجتماعی است. در مورد مسائل اقتصادی چه می‌گوئید ؟

جواب - زمینه‌های کار ما تنها روابط اجتماعی نبود. جنبه‌های اجتماعی هم مطرح بوده زمینه‌های فرهنگی هم داشتیم البته فعلاً "آزاد گذاشتیم که هر گروه هر زمینه‌ای را که خودش میخواهد انتخاب کند آنچه را که مورد نظر ما بود این بود که شما که نسل جوانی هستید درس می‌خوانید و زحمت میکشید توانید با محیط تماس سازنده‌ای بگیرید.

مفهوم نبود جواب - فرض ما این بود که در صورتی که شما تحقیق بکنید و با واقعیت درست برخورد کنید - درست است که ما گفتیم که ایدئولوژی را دخالت ندهید اما بعد که تحقیق کردید و واقعیت را آنطور که هست شناختید این در تصحیح مواضع ایدئولوژیک شما تاثیر میکند و به امکان میدهد که خودتان مبتکر شود. هدف ما این است که ضمن اینکه تحقیق میکنیم بکنسل امام مجتهد پیشاهنگ هم بوجود بیاید، و کمبود سیستم درسی که در ایران هیچوقت توام با تحقیق و کار ابتکاری نبوده فعلاً" تامین شود.

سؤال - شما بعضی روشهایی را که لازم است بکار رود تا از امکانات موجود حداکثر استفاده را بشود، در شناخت حقیقت اینها را عنوان نکردید؟

جواب - این مطلب را چون به تفصیل در کتاب تعمیم رهبری گفته بودم و فرض شده که شما آنها را خواهید خواند ما آنهارا بحث نکردیم، فقط خواستم بگویم که چه میشود کرد که از ثقل در تحقیق کاست.

سؤال - تجسس باید کرد یا نه؟

جواب - تجسس در اسلام حرام است. تحقیق این است که شما واقعیت را در بیاورید و در اموری هم که نمیخواهد جواب بدهد شما کاری دیگری به او نداشته باشید. بنویسید جواب نمی دهد. این خودش گویا است، هم در زمینه اقتصاد گویاست هم در زمینه جامعه شناسی گویاست. اگر جواب نداد معلوم میشود یک دلیل دارد که نمیخواهد جواب بدهد. دیگر تجسس شما لازم نیست باید ببینید دلائل چیست. شناسائی کنیم آن دلائل را.

سؤال - فرض کنیم که خانمی با حجاب بیرون برود، این یک معنای ایدئولوژیک دارد؟

جواب - بله البته، شکل و قیافه یک مقداری نشان میدهد که ایدئولوژی راهنمای شما چیست و شکل درست میکند. البته میدانید در کشورهای مثل کشور ما، زیاد هم معنای ایدئولوژیک ندارد. چون نمیشود گفت که اگر کسی حجاب نداشت مسلمان نیست. مردم هم اینجوری تلقی نمیکند. اما البته این معنایش هست که این متجدد است یا علامتی است، پوشش یک پنهان اجتماعی معینی است، این تاثیر میکند. آیا میتوانیم این تاثیرات را حذف بکنیم و این تاثیر نمیکند در جواب و؟

چرا - راههای زیادی بسته به موضوع تحقیق فرق میکند. یا موضوعاتی هست که زیاد تاثیر ندارد مثل همان چیزهای کمی. احتمال هم دارد که در پاسخی که میدهد به شما حقیقت را هم بگوید. بگوید که مثلاً "اگر ببینید که سؤال کننده خیلی مسلمان مآب است (یعنی قیافه اش اینرا نشان میدهد). از او بپرسی که شرابی که مینوشی اینه؟ میگوید: العیاذ بالله و ما میدانیم کسه احتمالاً" این جواب ممکن است صحیح نباشد. این جواب را بابت قیافه شما میدهد پس تاثیر میکند البته در جواب که او میدهد تا موضوع تحقیق چه باشد این است که عرض کردم که شما باید حتی المقدور در محیطی که میخواهید در آنجا تحقیق کنید جا بیفتید. طوری که این تاثیرات را کم بکنید.

سؤال - شاید بعضی میخواهند از لابلای کتابها حقیقت را دریابند

راجع به مسائلی که این مسائل را باید از آنها در آورد از جمله (مالکیت در اسلام)

جواب - در آنجا هم شما میخواهید تحقیق بکنید آن ۱۶ ضابطه را باید رعایت بکنید . چون اگر قبلا " مثلا " در ذهن شما این باشد که باید به یک طریقی عمل کنیم که معلوم بشود مالکیت خصوصی در اسلام نیست در جستجوی شما تاثیر میکند پس آن ضوابط را شما در هر حال باید رعایت بکنید و لو در لابلای کتاب . خصوصا " که آن کتاب بیچاره زیاد هم زبان ندارد ، شما هم میتوانید هر معنی که دلتان میخواهد به عبارت بدهید پس آن مطالب را شما در آن تحقیق هم باید رعایت بکنید و بیشتر هم رعایت بکنید آخر سر هم مثلا " آورم که خود ما چون باید واقعیت ایران را از لابلای آن کتابها تحقیق می کردیم و مستقیما با واقعیت تماس نداشتیم ، ناچار بودیم بیشتر ضوابطی را پیدا بکنید تا تحت تاثیر قرار نگیریم تحت تاثیر ندهیم پس هم میتوانید در آن زمینه های که میخواهید تحقیق بکنید و لی آن ضوابط را رعایت کنید و غیر از آن هم باز یک روش های دیگری هم هست یک مبارزه با سانسور و همان مطالب که اول بحث گفتیم و در تعمیم رهبری آمده ، آنرا مطالعه بفرمائید .

سؤال - تاثیرات نهائی این تحقیقات چیست ؟

جواب - سرانجامش دوتا است یکی تاثیراتی که خود شما بر خود شما بگذارید یکی تاثیراتی که از لحاظ شناخت واقعیت آنطور که هست بر رفتارهای عموم میگذارد عموم هم یعنی کسانی که رهبری سیاسی را دارند هم خود مردم هم وسائل تبلیغاتی رادیو تلویزیون روزنامه ها .

دو سه شب پیش هم که اطلاعات هم آمده بود مصاحبه میکرد . روزنامه خودش را جلوی خبرش باز کردم و گفتم شما بگوئید در این مملکت دانشجو دارد ، کارگر دارد ، دهقان دارد پیشه ور دارد ، روحانی دارد ، اداری دارد ، همه اینها را دارد انعکاس مسایل اینها توی روزنامه شما کجاست ؟ تو نمیتوانی برخورد بکنی ، زرفتی توی مردم بینی که حرفشان چیست ؟ مسئله شان چیست ؟ تمام روزنامه شما این راجع به آن چه میگوید آن راجع به این چه میگوید ؟ پس یک نتیجه ای میشود گرفت و آن این که ما اگر خواستیم یک نشریه ای در بیاوریم این تحقیقات شما در آنجا منعکس شود و باب جدیدی باز بشود در این که چگونه باید با مسائل برخورد کرد این کوچکترین تاثیر آن است و تاثیرش ایدئولوژی شما است بدلیل اینکه غالبا " جوان محیط درسش محیط ذهنی است . و نتیجتا " با واقعیت میگیرد و این برخورد با واقعیت به او امکان میدهد که این تصورات را تصحیح کند .

سؤال - قبلا " که میرفتیم تحقیق بکنیم دو سؤال پیش می آمد شما از جانب چه کسی آمده اید هدفتان چیست ؟

جواب - اگر دیدید که محیط برای شما آشنا نیست اگر آشنا دارید از وجود آنها استفاده کنید که این سؤال طرح نشود ، چون بالاخره تاثیر میکند در جوابی که به شما میدهند اگر ندارید و تحقیق در آن محیط واجب است ناچار یک ذره خرابی در کار تحقیق شما بوجود می آید ولی میتوانید خودتان را معرفی

کنید میتوانید بگوئید که از ناحیه ما میآید . هدف تحقیق هم این است که ببینیم وضع چگونه است و چه راه حل‌هایی میشود برای بهبود آن یافت .

